

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره پنجم، پاییز ۱۴۰۱: ۱۹۳-۱۶۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۶

نوع مقاله: پژوهشی

زباله‌گرد به مثابه «هوموساگر» شهری:

پژوهشی کیفی در شهر تهران

ستار پروین*

چکیده

مسئله زباله‌گردی امروزه در کشور ایران به یکی از پدیده‌ها و مسائل جدی بدل شده است، به شکلی که در همه شهرها و کلان‌شهرهای کشور نمود دارد. زباله‌گردی دارای ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی است و توجه به این ابعاد نیازمند پژوهش‌های علمی است. پژوهش حاضر تلاش دارد تا مسائل زندگی زباله‌گردها را در شهر تهران با رویکرد تفسیری روایت کند. نگاه نظری پژوهش مبتنی بر رویکرد انتقادی و استفاده از مفهوم «هوموساگر» آگامبن است. روش پژوهش بر اساس روش کیفی بنیادی و استفاده از فنون مصاحبه نیمه‌ساختاریافته و مشاهده است. از تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌ها بهره گرفته شده است. جامعه مورد مطالعه شامل زباله‌گردها و تمام افراد مطلع مرتبط با زباله‌گردی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که زباله‌گردها با مشکلات بسیاری مانند تغذیه، خواب، اعتیاد و... مواجه‌اند و روابط کاری نابرابری با پیمانکاران دارند. شغل زباله‌گردی به گونه‌ای است که با سایر مسائل اجتماعی شهر مانند نابرابری‌های اجتماعی و مصرف شهری، کار کودک و سیاه‌چاله‌های پسماند‌های شهری پیوند دارد. زباله‌گردهای شهری به‌مانند سایر گروه‌های اجتماعی آسیب‌دیده و به حاشیه رانده شده، نمود مفهوم هوموساگرهای شهری هستند. اینگونه افراد در شمول حمایت‌های رسمی قرار نمی‌گیرند.

واژه‌های کلیدی: زباله‌گردی، هوموساگر، آسیب‌شناسی اجتماعی، روش کیفی و تهران.

مقدمه

تاریخ شهرنشینی یک قرن گذشته در کلان‌شهر تهران نشان‌دهنده رشد ناموزون و بی‌رویه آن است به گونه‌ای که امروزه با چالش‌های اجتماعی-اقتصادی و زیست‌محیطی عدیده‌ای - که در زباله‌گردی نمود دارد- مواجه است. چنین مسائلی و مشکلات منحصر به فردی با مسائلی مثل فقر و بیکاری و مهاجرت روزافزون از مناطق روستایی به شهری یا از شهرهای کوچک به کلان‌شهرها نیز همراه می‌شود. امروزه شاهد پدیده‌هایی هستیم که تا پیش از این چندان رواج نداشته‌اند و یا اینکه وسعت و شدت آن به این صورت نبوده است. مسئله زباله‌گردی و زباله‌گردانی که در کوچه و خیابان با آنها روبه‌رو می‌شویم، امروزه به بخشی از ایماژ ما از کلان‌شهرهایی مثل تهران تبدیل شده است. به معنای دیگر، این پدیده به جزئی از زندگی روزمره ما بدل شده است. ما هر روزه شاهد تهیدستان شهری هستیم که سر را در سطل‌های زباله فرو برده‌اند و سعی دارند تا رزق و روزی خود را از درون پسماندها و دورریزهای زندگی دیگران پیدا کنند. این افراد به واسطه ماهیت شغلی‌شان و یا مسائلی که آنها را به سمت انتخاب این شغل سوق داده است، در معرض مخاطرات جدی هستند. مسائلی مانند بهداشت و سلامت فردی، رنجوری، کیفیت زندگی پایین، کودکان کار، مسکن و تغذیه آنان و نبود سیستم‌های حمایتی مثل بیمه، تنها بخشی از این مشکلات است.

موضوع پسماندهای شهری و مدیریت آنها همواره یکی از دغدغه‌های جدی شهرداری‌های کلان‌شهرهای مختلف بوده است. این موضوع ضمن اینکه با مسائلی مربوط به سلامت و محیط‌زیست گره خورده است، می‌تواند محملی برای بروز انواع آسیب‌های اجتماعی شهری باشد. مسئله پسماند و زباله‌های شهری دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و... است که توجه به همه این ابعاد، نیازمند مطالعات مختلف علمی است. میلیون‌ها نفر در سراسر جهان با جمع‌آوری، دسته‌بندی، بازیافت و فروش موادی که دیگران دور انداخته‌اند، امرار معاش می‌کنند. هرچند این افراد در سلامت شهروندان و اقتصاد و پایداری محیط شهری نقش آفرینی می‌کنند، اغلب در شرایط سختی زندگی می‌کنند و کمتر مورد حمایت مدیریت محلی قرار می‌گیرند. این مسئله در شرایط بحرانی مانند همه‌گیری کووید ۱۹ -در شهری مانند تهران- بیشتر نمود داشت. در جمع‌آوری زباله در کشورهای در حال توسعه، ذی‌نفعان غیر رسمی مطرحند

که یکی از آنها، جمع‌کننده زباله است. از دلایل زباله‌گردی می‌توان به سطح پایین تحصیلات و مهارت در افراد اشاره کرد (ر.ک: Schenck & et al, 2016).

شهرداری‌ها در کشورهای جهان سوم تنها قادر به جمع‌آوری ۵۰ تا ۸۰ درصد از زباله‌های تولیدشده هستند. با وجود این و علی‌رغم مزایایی که زباله‌گردها می‌توانند برای نظام اقتصادی - زیست‌محیطی شهرها داشته باشند، همانند کمک به بازیافت زباله‌های قابل بازیافت، کاستن از هزینه‌های شهری و ایجاد اشتغال بدون نیاز به سرمایه‌گذاری دولتی و منبع درآمد برای اقشار پایین جامعه (2: Medina, 2005)، این افراد در محیط اجتماعی متخاصمی زندگی می‌کنند و همواره از جانب مسئولان شهری به مثابه افرادی آزاردهنده، مزاحم، مخل و حتی مجرم در بدترین شکل مورد سرزنش قرار می‌گیرند. اکثریت جمع‌کننده‌های زباله به طور کلی سطح تحصیلات رسمی پایینی دارند (ر.ک: پروین و دیگران، ۱۳۹۷).

زباله‌گردی در کلان‌شهرها در دنیای امروز، پدیده رایج شهری بوده، از واقعیات اصلی کلان‌شهرهاست. در خیابان‌های تهران و کنار سطل‌های زباله، زباله‌گردها و زباله بر دوش‌ها در پی یافتن زباله‌هایی هستند تا با فروش آنها به خریداران رسمی و غیررسمی، معاش خود را تأمین کنند. تعداد زباله‌گردها در تهران زیاد بوده، در هر خیابان و کوچه، افرادی به چشم می‌خورند که با اشکال و انحای مختلف با خودرو، پیاده، گروهی، انفرادی، در پی یافتن زباله بوده، آن را تفکیک می‌کنند.

از آنجا که زباله‌گردها از اقشار کم‌درآمد و طبقه پایین جامعه هستند، در پی فروش این اجناس با هر میزانی که خریدار بپردازد، کسب معاش می‌کنند. جمع‌آوری پسماند در تهران و همه کلان‌شهرها تبدیل به یک راه درآمدزایی برای این اقشار شده و به نظر می‌رسد که در نتیجه بروز مسائل اجتماعی مانند بیکاری، فقر، بالا بودن جمعیت خانواده‌ها، بی‌هویت بودن (برای اتباع غیر ایرانی) و مواردی از این‌دست است. زباله‌گردی، ویتترین داستان پسماند در تهران است. با ردیابی و پیگیری زباله‌گردها در تهران و گفت‌وگو با آنها، زباله‌گردی به عنوان یک صنعت پرسود اما پنهان در کشور قابل شناسایی است.

در حالی که در بسیاری از کشورهای دنیا، مسئله پسماند به منبعی برای درآمد پایدار شهری تبدیل شده است، چه اتفاقی می‌افتد که در کشورهای در حال توسعه‌ای

مثل ایران، تبدیل به منبعی ولو مختصر و ناچیز برای درآمد فقرا و تهیدستان شهری تبدیل شده است و مسئله‌بودگی آن گریبان‌گیر مدیریت و حیات شهری شده است. حال سؤال این است که این فرودستان شهری، چه کسانی هستند و ویژگی‌های عمومی آنها کدامند؟ سازوکار اشتغال آنها به چه نحو است؟ آیا می‌توان تیپ‌بندی خاصی از آنان ارائه داد؟ در نهایت کدام مسائل اجتماعی در شهر تهران با زباله‌گردی پیوند دارد؟

پیشینه پژوهش

مطالعه پروین و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان «مهاجرت و زباله‌گردی به مثابه شیوه نوظهور زیست شهری» که در شهر تهران انجام شده است، نشان می‌دهد که پیوند زیادی میان مهاجرت‌های داخلی و خارجی و زباله‌گردی وجود دارد، به گونه‌ای که می‌توان از پدیده زباله‌گردی در شهرها و کلان‌شهرها با عنوان شیوه زیست شهری یاد کرد.

مطالعه ایثاری و شجاعی زند (۱۳۹۸) با عنوان «زمینه‌ها و فرایندهای شکل‌گیری زیست غیر رسمی زباله‌گردی (مطالعه موردی: کارگران افغانستانی در تهران)» که با روش کیفی به انجام رسیده، نشان می‌دهد که مواردی از جمله عوامل سیاسی و اقتصادی مربوط به کشور افغانستان، عوامل فرهنگی و خانوادگی کارگران هراتی، قوانین مرتبط با اتباع خارجی از جمله اتباع افغانستانی مانند محدودیت‌های تردد و اشتغال رسمی، عوامل مرتبط با حکمروایی هیبریدی و منزلت پایین شغل غیر رسمی زباله‌گردی در رشد این پدیده در شهر تهران اثرگذار است. نویسندگان در مقاله دیگری با عنوان «سیاست‌های شهری و زیست غیر رسمی زباله‌گردی در تهران» (۱۳۹۹) نشان داده‌اند که بازنمایی زیست شهری زباله‌گردها در ایران بر اساس دو الگوی جرم‌انگاران و آسیب‌شناختی صورت می‌گیرد. نتایج نشان می‌دهد که حکمروایی شهری در قالب ائتلاف بخش عمومی (شهرداری) و خصوصی، چگونه به انضباط‌بخشی بازتولید و کنترل زیست غیر رسمی زباله‌گردی پرداخته است. بر این اساس این وضعیت، زیست فرودستانه کارگران زباله‌گرد را به دنبال دارد.

نتایج مطالعه نادری و همکاران (۱۴۰۱) با عنوان «مطالعه کیفی درباره زباله‌گردی در شهر تهران»، نشان می‌دهد که فقر‌گریزی در مبدأ و انتخاب ناگزیر زیست فرودستانه،

زباله گردی از چشم دیگران، فشار روانی زیاد، تقویت چرخه بی میلی تحصیلی و بی سوادی، فرسودگی جسمی و عدم آرامش، افق نامعلوم و سرگردانی خوجی‌ها، ابهام قانونی و تعاریف و قراردادهای عرفی، گلایه از نهادهای ذی ربط، ورود مافیا و شکل گیری رانت و فساد از جمله مسائل و مشکلات زباله گردهاست.

هووسمن^۱ در سال ۱۹۹۴، نتایج حاصل از مصاحبه‌هایش با زنان زباله گرد شهر بانگلور^۲ هند را ارائه داد. این زنان، زباله گردی را با وجود سختی‌ها و خطراتی که برای سلامتشان ایجاد می‌کرد، راه مناسبی برای کسب درآمد برشمرده‌اند. آنان پاره وقت بودن شغل خود را مزیت مناسبی برای انجام وظایف خانگی و مادری خود ضمن انجام کار و کسب درآمد در نظر گرفته‌اند.

کمپر^۳ (۱۹۹۰) در پژوهش طولانی مدت خود با انجام مطالعات آزمایشگاهی، پیشنهادهایی به زباله گردها برای کاهش وزن بار و حمل وزن محاسبه شده بهینه، کاهش میزان راه رفتن و افزایش تعداد استراحت‌ها ارائه داده است که این امر مورد اقبال زباله گردهای آمستردام قرار گرفت، چراکه علاوه بر کاهش فشار و خستگی، توانستند وزن زباله جمع‌آوری شده روزانه خود را پانزده درصد افزایش دهند.

هانت^۴ (۱۹۹۶) با مقایسه صد کودک زباله گرد در شهر بانگلور هند، تفاوت‌های سلامت این کودکان با سایر کودکان را مقایسه کرد. وی نشان داد که این کودکان، تأثیرات مخربی بر سلامت محیط خانه و دیگر اعضای خانواده دارند. هانت در مقاله‌ای دیگر (۲۰۰۱)، بیماری‌های انگلی و تنفسی را در زباله گردها، بسیار شایع و ایدز و هپاتیت نوع بی را به صورت محدود گزارش کرد. همچنین در این مقاله، مشکلات غیر جسمانی اعم از کاهش اعتماد به نفس، کنار گذاشته شدن اجتماعی و کاهش شانس استخدام در سایر شغل‌ها و همچنین ازدواج را بیان کرد.

استینر و برنارد^۵ (۲۰۰۳) با انجام دو نوع آزمایش روی زباله گردهای شهر زوریخ به وجود مشکلات تنفسی ناشی از شغل و همچنین اختلالات قلبی و عروقی که بیشتر نه

1. Huysman
2. Bangalore
3. Kemper
4. Hunt
5. Steiner and Bernard

به دلیل شغل، بلکه به دلیل عادت‌های جانبی این افراد مانند سیگار کشیدن زیاد است پی برد.

هایامی^۱ (۲۰۰۶) با مطالعه شهر دهلی، سه عامل موجود در زباله را تولیدکنندگان زباله، خریداران زباله و زباله‌گردها دانسته، دو گروه آخر را افرادی دانست که به دولت و تولیدکنندگان زباله، نفع زیادی می‌رسانند. از این‌رو دولت موظف است نه فقط برای کاهش فقر این افراد، بلکه برای مشارکت بهتر آنها در جامعه، از آنها حمایت کند.

فرگاتز^۲ (۲۰۱۱) در بررسی وضعیت زباله‌گردی در برزیل، ضمن اشاره به اهمیت این تجارت و بهره بردن حدود پانصد هزار نفر در شهرهای بزرگ برزیل از درآمد این حرفه و تأثیرات مثبت آن بر محیط‌زیست، به دولت پیشنهاد داد تا با ایجاد مراکزی، خرید و فروش زباله‌ها را میان این افراد و صنایع مختلفی که از پسماندها استفاده می‌کنند، تسهیل کند.

ویلجن و دیگران^۳ (۲۰۱۵)، نتایج حاصل از یک تحقیق سراسری در کشور آفریقای جنوبی را که در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ درباره مشکلات اقتصادی-اجتماعی زباله‌گردی سیزده شهر از نه استان موجود در این کشور انجام شده بود، منتشر کردند. این تحقیق با مصاحبه‌های ساختاریافته با ۹۱۴ زباله‌گرد به اجرا درآمده است. طبق نتایج این تحقیق، مهم‌ترین مشکلات این افراد، توانایی پایین ایجاد ارتباط کلامی، عدم امکان تحصیل، استفاده نکردن و دسترسی نداشتن به امکانات اولیه رفاهی و عدم امکان ارتقا در سلسله‌مراتب این اقتصاد غیر رسمی است. این تحقیق اضافه می‌کند که مشکلات موجود در این افراد یکسان نیست و فرد به فرد تفاوت دارد و از این‌رو فرایند اتخاذ سیاست‌های حمایتی برای این افراد بسیار پیچیده خواهد بود، همان‌طوری که برخی مداخلات انجام‌شده پیشین، نتایج معکوس و مضر برای این افراد داشته است.

جوشی^۴، پژوهشگر دانشگاه آریزونا آمریکا در مقاله خود (۲۰۱۸)، با مطالعه زنان زباله‌گرد شهر پونه هند، نبود امکانات بهداشتی عمومی را معضلی برای زنان زباله‌گرد دانست. از آنجایی که این زنان مدت‌ها برای زباله‌گردی در خارج از محل زندگی خود

1. Hayami
2. Fergutz
3. Viljoen
4. Joshi

قرار دارند، عدم دسترسی به امکانات بهداشتی، مشکلات جسمی و روانی مختلفی برای آنها به وجود می‌آورد.

برفورد و احمد (۲۰۲۱) بر این باورند که زباله‌گردها معمولاً از حمایت اجتماعی کمی برخوردار می‌شوند، در شرایط خطرناک کار می‌کنند و دستمزد پائینی دریافت می‌کنند. آنها در مدل حمایتی اقتصادی-اجتماعی خود بر موضوعاتی مانند حقوق منصفانه، شرایط کار ایمن، حمایت اجتماعی، حقوق قانونی، صدا، احترام، خدمات و آموزش تمرکز کرده‌اند. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در یک دهه گذشته، پدیده زباله‌گردی با ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی به یکی از موضوعات دانشگاهی پژوهشگران علوم اجتماعی در ایران قرار گرفته است. پژوهش حاضر تلاش دارد تا ارتباط زباله‌گردی را با سایر مسائل اجتماعی شهر تهران مورد کاوش قرار دهد.

ملاحظات نظری پژوهش

یکی از ویژگی‌های مربوط به اقتصادی غیر رسمی، خارج شدن این مشاغل از حوزه حمایت‌های دولتی و رسمی است. تقریباً همه مشاغل غیر رسمی و تمام افراد زباله‌گرد به طور خاص فاقد بیمه تأمین اجتماعی، بیمه بازنشستگی، بیمه سلامت و هر نوع حمایت اجتماعی دیگری هستند که دولت و نهادهای رسمی در کشور ارائه می‌دهند. در واقع از آنجا که طبق تعریف رسمی کشورها، این افراد جزء حوزه‌های رسمی تعریف نمی‌شوند، از این رو چتر قانون حمایتی، آنها را در برنگرفته و شامل حال آنها نمی‌شود. بنابراین این مشاغل، نه به لحاظ قانونی می‌توانند مورد حمایت قرار گیرند و نه در چتر نظارتی حاکمیت قرار می‌گیرند. چنین وضعیتی بیش از هر چیزی یادآور مفهوم «هوموساگر»^۱ آگامبن (۱۹۹۸) است.

هوموساگر شامل افرادی است که در شمول دایره قانون قرار نمی‌گیرند و از این حیث از دایره جوامع انسانی خارج می‌شوند. آگامبن، انسان دارای چنین وضعیتی را با ارجاع به چهره حقوقی در رم باستان یعنی هوموساگر به معنای انسان قدسی تصویر می‌کند. هوموساگر، کلمه‌ای است که از یک رساله حقوقی نوشته پومپیوس فستوس، لغت‌شناس رومی گرفته شده است. در منظومه فکری آگامبن، فرد هوموساگر، معرف وضعیت

فوق‌العاده است. در حقیقت این واژه برای اشاره به کسانی به کار رفته که در سال‌های اولیه امپراتوری به مرگ محکوم شده بودند. اما کشتن آنها نه به گونه‌ای مقدس تجلی قربانی شدن و در صورت منفی قتل به حساب می‌آمد. کسی که هوموساکر را می‌کشد، گرفتار مجازات حقوقی نمی‌شود و بدین لحاظ، زندگی هوموساکر به شکلی نامحدود در معرض قدرت نامشروط مرگ قرار دارد. بنابراین منطق وضعیت استثنایی، یعنی قلمرو حاکمیت، قلمروی است که در آن کشتن، نه ارتکاب به قتل در نظر گرفته می‌شود و نه تجلی قربانی در آن مجاز است (ر.ک: Agamben, 1998). به عبارت بهتر، فرد هوموساکر در یک وضعیت خلاگونه رها شده و در معرض خشونت عریان جامعه قرار دارد.

با پیوند حیات برهنه فرد با خشونت عریان حاکمیت، آگامبن پارادوکس وضعیت فوق‌العاده را بار دیگر مطرح می‌کند. در حقیقت رابطه بین قدرت حاکم و حیات برهنه، موضوع اساسی وضعیت فوق‌العاده در انگاره آگامبن است که در آن هوموساکر، مفهومی مرکزی است (Ellermann, 2009: 2). فرد هوموساکر نه در درون و نه در بیرون از نظم سیاسی جای می‌گیرد؛ دقیقاً مشابه وضعیت استثنایی که نه متعلق به درون و نه بیرون نظم حقوقی است.

هرچند آگامبن، واژه هوموساکر را عمدتاً برای توصیف مهاجران کشورهای جهان سومی به کار می‌برد که به امید یافتن کار و زندگی بهتر به کشورهای توسعه‌یافته سفر کرده‌اند و در آنجا به علت خلأهای قانونی و نداشتن چتر حمایتی دولت‌ها فاقد هرگونه نظام اجتماعی به معنای رسمی آن هستند، به نظر می‌رسد که می‌توان این واژه را برای زباله‌گردها و مهاجرانی که از شهرهای مختلف و محروم کشور به تهران آمده‌اند نیز به کار برد. همان‌گونه که گفته شد، زباله‌گردها به واسطه تعریفی که از اقتصاد غیر رسمی قرار گرفته است و بی‌اعتنایی قانون درباره وضعیت زندگی این گروه‌ها عمدتاً فاقد هرگونه نظام حمایتی هستند.

همان‌طور که می‌دانیم این افراد فاقد هرگونه بیمه و تأمین اجتماعی هستند، مکان خواب و زندگی مناسبی ندارند، ساعات کار آنها بیشتر از ساعات رسمی است، از کیفیت زندگی بسیار پایین رنج می‌برند و در بسیاری از موارد فاقد مسکن و سرپناه مناسب هستند. این وضعیت تنها شامل زباله‌گردها نمی‌شود و گروه‌های مختلف دیگری مثل معتادان متجاهر، کارتن‌خواب‌ها و بی‌خانمان‌ها، حتی برخی از کارگران فصلی، بسیاری از

دست‌فروشان خیابانی، متکدیان و کودکان کار، بسیاری از زنان بی‌سرپرست و یا بدسرپرست و... را در برمی‌گیرد.

در واقع هرچه پیشتر می‌رویم، با گروه‌های بیشتری از تهی‌دستان شهری مواجه هستیم که برای تأمین حداقل معاش زندگی خود و برای بقا مجبور می‌شوند به سمت اقتصادی غیر رسمی گام بگذارند که آینده‌ای محتوم و ناپسامان را نوید می‌دهد. شاید بتوان چنین وضعیتی را مصداق آن چیزی تعریف کرد که آصف بیات (۱۳۹۶) از آن با نام «پیشروی آرام» نام می‌برد. بیات سعی می‌کند تا با نگاهی امیدوار و بسیار خوش‌بینانه، حدی از عاملیت برای این تهیدستان شهری ترسیم کند. از نظر او، مکان، زمان و نوع سیاست‌هایی که این تهیدستان شهری، زباله‌گردها، دست‌فروشان، متکدیان و... در خیابان دنبال می‌کنند، نه در چارچوب درهای بسته مجلس نمایندگان یا از طریق بده‌بستان‌های سیاسی، بلکه به وسیله خود آنانی تعیین می‌شود که به خیابان می‌آیند؛ بیکاران، دست‌فروشان، زباله‌گردان، حاشیه‌نشینان و تمام کسانی که به دلیل موقعیت طبقاتی خود، نوع سازمان‌دهی ویژه‌ای برای مداخله در سیاست و باز پس‌گیری حقوق خود دارند. آنچه آصف بیات در کتاب خود، سیاست خیابانی می‌نامد، مجموعه‌ای از سیاست‌های غیر رسمی مرتبط با اقشار فرودست جامعه است.

از نظر بیات، رفتارها، کنش‌ها و پدیده‌های جدیدی همچون زباله‌گردی که زمانی ممکن بود پدیده‌ای غیر معمول در نظر گرفته شوند، اکنون رفته‌رفته بسیاری از فضاهای شهری را به خود مشغول کرده است و به امری معمولی و روزمره تبدیل شده است. مقصود از امور معمولی و روزمره، فعالیت‌های مردمی است که به ظاهر و در چشم اغلب مشاهده‌گران پیش‌پاافتاده به نظر می‌رسند؛ اما حاوی تبعات سیاسی بالقوه‌ای هستند که به موازات شرایط اقتصادی و سیاسی کشور، خود را نشان خواهد داد.

مدرنیزاسیون طی یک سده گذشته در ایران موجب رشد سریع شهرنشینی، مهاجرت به شهر، ایجاد طبقات اجتماعی جدید و افزایش عمومی درآمدها شد و در همان حال زمینه را برای حاشیه‌نشینی اقتصادی و اجتماعی بخش وسیعی از جمعیت تازه شهری شده فراهم کرد. مردم تهیدست مدت‌ها پیش از آغاز مدرنیته در جهان و ایران حضور داشتند؛ اما آنچه تهی‌دستان جدید را از انواع پیشین متمایز می‌کند، فرایند حاشیه‌نشینی است. «تا اواخر دهه ۱۳۵۰ شمسی می‌توان برآمدن یک طبقه فرودست

شهری و حاشیه‌ای نسبتاً بزرگ را مشاهده کرد که به واسطه تفاوت‌های جغرافیایی و اجتماعی و محرومیت‌های بسیار زیادشان نسبت به جریان اصلی زندگی شهری شناخته می‌شوند. آسیب‌پذیری در زندگی هرروزه، ویژگی برجسته حیات جمعی آنها محسوب می‌شد» (بیات، ۱۳۹۶: ۴). گروه‌های حاشیه‌ای و آسیب‌پذیر در جهانی غیر رسمی زندگی می‌کنند که جهان رسمی آنها را پس‌زده و به حاشیه رانده است و به همین دلیل از راه‌های فراقانونی، زندگی خود را حفظ می‌کنند و با تکیه بر غریزه بقا برای زنده ماندن و زندگی کردن می‌جنگند. با اینکه غیر رسمی بودن، انتخاب مطلوب تهی‌دستان شهری نیست، در درجه اول، بدیلی برای فشارها و اضطرارهای حاصل از ساختارهای رسمی است (همان: ۸).

روش‌شناسی پژوهش

روشی که در این پژوهش به کار رفته، از نوع روش «کیفی بنیادی»^۱ است و در آن سعی شده تا با استفاده از فن مصاحبه، اطلاعاتی درباره زندگی زباله‌گردها و آسیب‌های اجتماعی مرتبط با زندگی آنها ارائه گردد. مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل کلیه افراد موسوم به زباله‌گردی است که به شکل شبانه‌روزی در گوشه و کنار خیابان‌های شهر تهران مشغول به گردآوری پسماندهای خشک هستند. روش نمونه‌گیری، گلوله برفی است. حجم نمونه برابر با ۳۰ نفر شامل زباله‌گردها (۲۰ نفر)، پیمانکاران (۵ نفر) و شهروندان و فعالان اجتماعی شهر تهران (۵ نفر) است. داده‌های کیفی این پژوهش از طریق تحلیل تماتیک تجزیه و تحلیل شده است. معیار انتخاب افراد مشارکت‌کننده در وهله اول خود زباله‌گروهاست و در وهله دوم، افراد مطلعی است که اطلاعاتی درباره زباله‌گردها دارند.

معمولاً به جای مفاهیمی مانند روایی و پایایی که در پژوهش‌های کمی مرسوم است، از مفاهیمی مانند اتکاپذیری، انتقال‌پذیری، وثوق‌پذیری، باورپذیری و انطباق‌پذیری و تأییدپذیری استفاده می‌شود (ر.ک: نیومن ۱۳۸۹). جهت نیل به این موضوعات، اقدامات زیر انجام شده است:

- مشاهده مکرر از جامعه مورد مطالعه در ابعاد مختلف و مطالعه زیست شبانه و روزانه زباله‌گردها
- ارائه کدگذاری به حداقل دو صاحب‌نظر در این حوزه و تأیید تم‌ها و یافته‌ها از سوی آنها
- نهایت دقت در ضبط و مستندسازی و همچنین نگارش یافته‌ها
- تلاش برای استفاده از مناسب‌ترین روش پژوهش
- تلاش برای گردآوری داده‌های متقن و موثق از طریق تماس نزدیک با مشارکت‌کنندگان و استفاده از فنون مختلف مانند مصاحبه و مشاهده و بازدید
- گردآوری داده‌ها از منابع مختلف از جمله زباله‌گردها، فعالان اجتماعی و پیمانکاران پسماندهای شهری (مثلث‌بندی). عمدتاً مصاحبه با زباله‌گردها در خیابان به انجام رسیده است. همچنین مصاحبه با مطلعان در محل کار آنها بوده است.
- تلاش شده است تا معیارهای اخلاقی پژوهش مانند رازداری در مصاحبه‌ها و گردآوری داده‌ها مورد عنایت قرار گیرد.

یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های زباله‌گردها

- پوشش و لباس: زباله‌گردها، لباس‌های کار کثیف، مندرس و اغلب آغشته به سیاهی و آلودگی زباله‌ها دارند. لباس آنها اغلب پارگی‌های متعدد داشته، به گفته خودشان، لباس کار است. نظافت‌های روزانه اغلب در بین زباله‌گردها، امری فراموش شده است، به طوری که در ماه شاید یک‌بار استحمام داشته باشند. شرایط کار و مشغله‌های زیاد آنها، یکی از دلایل این امر است؛ موضوعی که در درازمدت می‌تواند سلامت جسمی آنها را با مخاطره مواجه سازد.
- جنسیت: همه زباله‌گردها در تهران، مذکر هستند و زنان -به جز موارد نادر- توان فیزیکی برای زباله‌گردی ندارند.
- محدوده سنی: محدوده سنی این افراد از کودکی (حدود ده سالگی) شروع می‌شود و تا پیری و کهن‌سالی ادامه دارد. هرچند گاه افراد زیر ده سال نیز در

- میان زباله‌گردها - البته عمدتاً به همراه پدر یا برادر بزرگ‌تر خود - نیز مشاهده می‌شود. کار کودک برخلاف توافق با شهرداری از نمودهای زباله‌گردی است.
- وضعیت اسکان زباله‌گردها: محل زندگی زباله‌گردها، متفاوت است. برخی با خانواده زندگی می‌کنند؛ برخی در خیابان، کارتون‌خواب هستند؛ برخی در مراکز اسکان کارگری در محل ایستگاه بازیافت زباله ساکن هستند؛ برخی در خارج از ایستگاه‌های بازیافت زباله شهری، کانکس‌هایی را مستقر کرده، در آنها زندگی می‌کنند؛ برخی از افراد در زاغه‌های حاشیه شهرها و برخی در کوره‌پزخانه‌های اطراف تهران در اتاقک‌های کوچک زندگی می‌کنند و عده‌ای از این افراد را که معمولاً به صورت غیر رسمی اقدام به زباله‌گردی می‌کنند، صاحبان گاراژهای ضایعات اسکان می‌دهند و در اتاق‌های گروهی، شب را به صبح می‌رسانند.
 - درآمد: درآمد و معاش زندگی روزمره زباله‌گرد و کتفی اغلب از همین راه تأمین می‌شود. کتفی گونی به دوش، درآمدهای متغیری دارند. روزانه حدود صد تا دویست هزار تومان درآمد دارند. زباله‌های خشک را درهم جمع‌آوری می‌کنند و در نهایت پس از پایان ساعت کاری، آن را به پیمانکار تحویل می‌دهند.
 - سطح تحصیلات: اکثر زباله‌گردها و کتفی‌ها به دلیل فقر و سایر عوامل مجبور به مهاجرت شده، عمدتاً افرادی کم‌سواد هستند و با همه این شرایط، بیشتر آنها تنها سواد خواندن و نوشتن داشته، چندان تحصیلاتی ندارند.
 - مهاجرت: زباله‌گردی در تهران به دست مهاجران انجام می‌شود. مهاجران، دو گروه‌اند: مهاجران ایرانی و مهاجران غیر ایرانی. با این حال بیشتر زباله‌گردها از کشور افغانستان هستند.

تیپولوژی زباله‌گردها

می‌توان افراد زباله‌گرد را به سنخ‌های مختلف با توجه به معیارهای گوناگون تقسیم‌بندی کرد. در ادامه به یکی از این تقسیم‌بندی‌ها با توجه به روابط اجتماعی و خانوادگی اشاره می‌شود:

الف) افرادی که مسئولیت مراقبت از خانواده و تأمین معاش خانواده را بر عهده دارند

و زباله‌گردی برای آنها حرفه‌ای تعریف شده است که با آن باید هزینه‌های روزمره زندگی خانواده (والدین، فرزندان و همسر یا همسران) تأمین شود.

این افراد معمولاً اعتماد به الکل و یا مواد مخدر ندارند و قدرت جمع‌آوری زباله بین آنها بالاست. وزن بالای زباله را حمل می‌کنند و به صورت گروهی و یا انفرادی مشغول به کارند. این افراد معمولاً در خارج از شهر و در محله‌هایی مانند کهریزک، کوره‌پزخانه‌های اطراف منطقه ۱۹، صالح‌آباد (مرکز پسماند تهران) و مکان‌هایی از این دست زندگی می‌کنند. از آنجا که این افراد، مسئولیت مراقبت از خانواده را دارند، ناچار به داشتن مکانی هستند که امکان زندگی در آن وجود داشته باشد. خانه‌هایی که یک اتاق داشته باشند و واحد امکان بی‌هزینه باشند. بیغوله‌هایی که زن و فرزندان طبقه پایین‌تر از فقرا، امکان زندگی در آنها را داشته و اعتراضی به شرایط موجود نداشته باشند. متأهلان غیر معتاد معمولاً در این گروه قرار می‌گیرند؛ مگر آنکه خانواده‌های آنها خارج از تهران ساکن باشند.

ب) زباله‌گردهایی که به تنهایی زباله جمع‌آوری می‌کنند و اعتماد دارند. کسی واحد امکان این افراد را به کار نمی‌گیرد، حتی پیمانکاران؛ زیرا با اعتماد، امکان تعهد به کار (حتی موقت و کوتاه‌مدت) برای آنها وجود ندارد. این افراد معمولاً زباله‌گردهای کارتون خواب هستند و امکان حمل زباله در وزن بالا را ندارند. بیشتر در پی جمع‌آوری فلز^(۱) مانند قوطی نوشیدنی، ظرف غذاهای یک‌بارمصرف آلومینیومی، میخ و پیچ و... هستند؛ زیرا حجم کوچکی دارند و مقدار کمی از آن برای تأمین مخارج مصرف مواد مخدر یک روز تا دو روز یک فرد معتاد، کافی است.

این افراد از نظر اسکان، معمولاً در گاراژهای منطقه شوش و هرنیدی و یا در گرم‌خانه‌های شهرداری زندگی کرده، باید در ساعات اولیه صبح، مکان خواب را ترک کنند و به امورات روزمره بپردازند. بسیاری از این افراد، کارتون‌خوابند و در ایام سرد سال، شب‌ها را تا صبح پیاده‌راه می‌روند تا از سرما یخ نزنند و در نهایت اوایل صبح ساعاتی در گوشه‌ای از خیابان استراحت کرده، سپس به راه خود ادامه می‌دهند و به جمع‌آوری زباله و تأمین هزینه‌های مواد مخدر خود می‌پردازند. متأهلان و مجردان دارای اعتماد در این گروه قرار می‌گیرند. افرادی که مدارک هویتی نداشته باشند و اعتماد دارند نیز در همین دسته قرار می‌گیرند.

ج) افرادی که مدارک هویتی دارند و اعتیاد ندارند (مجرد هستند و در تهران بدون خانواده زندگی می‌کنند)؛ معمولاً در منازل خصوصی و یا اسکان کارگری شهرداری اسکان داده می‌شوند.

د) افرادی که اعتیاد نداشته، مدارک هویتی ندارند و خریداران غیر رسمی ضایعات و پسماند به آنها اسکان می‌دهند. این افراد به دلیل نداشتن هویت و کارت‌های هویتی، هیچ مرکزی آنها را نمی‌پذیرند و ناچار به اسکان‌های پرهزینه می‌گردند. این افراد، زباله‌های جمع‌آوری شده را با قیمت بسیار پایین به ضایعات می‌فروشند. برخی از آنها نیز پیمانکاران، آنها را به صورت غیر رسمی مشغول به کار کرده، در وانت‌های ملودی مشغول به جمع‌آوری پسماند می‌گردند. به علاوه بیشتر این افراد، مهاجران غیر قانونی افغانه هستند.

پیمانکاری و تشدید وضعیت فرودستی هوموساکرهای شهری

طبق قوانین پیمان عملیات تفکیک در مبدأ و جمع‌آوری پسماندهای خشک، استخدام و به‌کارگیری زباله‌گردها، کتفی‌ها، گونی به دوش‌ها و افرادی که زباله را در رأس مخازن و سطل‌های زباله تفکیک و جمع‌آوری می‌کنند، ممنوع است. همچنین بازوهای کمکی و مشروع پیمانکار برای جمع‌آوری پسماند و زباله مطابق قوانین پیمان، وانت‌های ملودی^(۲) و غرفه‌های جمع‌آوری پسماند خشک است. پرسنل غرفه‌ها و ملودی‌ها باید طبق قوانین وزارت کار استخدام شوند و مشغول به کار گردند. اما از آنجا که ساختار اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی عمومی جمع‌آوری و تفکیک زباله در مبدأ به خانواده‌ها و شهروندان تهرانی، معیوب است، این بازوها، کمک زیادی به جمع‌آوری زباله و ضایعات شهری نمی‌کنند و در نهایت پیمانکاران ناچار باید از زباله‌گردها و کتفی‌ها و گونی به دوش‌ها برای جمع‌آوری زباله به صورت مویرگی کمک بگیرند.

نحوه کار با زباله‌گردها و گونی به دوش‌ها به صورت کیلویی و خرید زباله با اجناس مختلف با نرخ‌های متفاوت است. گاهی کتفی‌ها^(۳) به صورت حضوری در محل ایستگاه حاضر می‌شوند و با تحویل زباله با ماهیت مختلف، پول دریافت می‌کنند. گاهی نیز فان^(۴) در طول شب و روز در مکانی که امکان دارد، در محله‌ها حاضر می‌شوند و با جمع‌آوری زباله و خرید آن از زباله‌گردها و جابه‌جایی آنها تا محل ایستگاه، چرخه زمانی دستیابی به پسماندهای شهری را کوتاه‌تر می‌کنند.

در نهایت زباله گرد، کوچک ترین و ناچیزترین و مؤثرترین عضو چرخه جمع آوری پسماند شهری است. برای زباله گرد، چیزی به نام استخدام، چتر حمایتی، قانون کار، بیمه و... وجود ندارد. زباله گرد، عضو حاشیه‌ای اما مؤثر در شهر است که نبود آنها موجب فلج بودن چرخه جمع آوری ضایعات و پسماندهای شهری می‌شود و وجود آنها در سطح شهر، آسیب و آزاری برای اهالی ندارد، اما سیمای شهر را نازیبا می‌کند. با این حال تعامل شهروندان در تهران گه‌گاه با ترحم و حمایت همراه است. به گفته یکی از شهروندان، «حضور زباله‌گردها برای ما آزاری ندارد. آنها از سر ناچاری این شغل را انتخاب کرده‌اند و دولت ما نمی‌تواند به آنها خدمات شهری برساند و ما وظیفه اخلاقی و انسانی خود می‌دانیم که به آنها غذا برسانیم.»

و به گفته شهروندی دیگر: «زباله‌گردها برای شهر زحمت می‌کشند و از این طریق برای خود درآمدزایی هم می‌کنند. بهتر از گدایی و دزدی هست و آزاری هم برای ما ندارند. فقط سر مخزن زباله هستند و آن را تفکیک می‌کنند. دلمان می‌سوزد که برای آنها چیزی می‌بریم.»

برخی از پیمانکاران برای اینکه از جمع آوری وزن متعارف روزانه زباله در ایستگاه خود اطمینان داشته باشند، تعدادی کتفی و گونی به دوش را به صورت منظم و همیشگی با روابط مالی و حمایت در مصارف روزمره اقلام غذایی در اختیار دارند. این گروه از زباله‌گردها، افرادی هستند که به پیمانکار حامی، وفادارند. وفاداری در این شغل به پیمانکار منطقه و یا به هر کسی که در حال جمع آوری زباله، چه رسمی و چه غیررسمی است، امر مهمی است. رقابت زیادی بر سر کتفی‌های وفادار و کاری، بین پیمانکاران وجود دارد. کتفی پرسرعت که روزانه نیم‌تن ضایعات شهری جمع آوری کرده، آنها را به هیچ کس به جز پیمانکار ایستگاه خاص خود نمی‌فروشد، می‌تواند موجب احساس امنیت در اوزان خاص زباله برای پیمانکار گردد. همچنین محافظت و نگهداری از مخازن و سطل‌های محله‌ها از طریق کتفی‌ها (به صورت نامحسوس و رقابتی تحت حمایت) انجام می‌شود. به این ترتیب هیچ گروهی به صورت غیر رسمی نمی‌تواند در منطقه به جمع آوری زباله بپردازد.

یکی از پیمانکاران سازمان پسماند درباره آنها می‌گوید: «وجود زباله گرد برای ما خوب

و به صرفه است. آنها هزینه‌ای ندارند و با مبلغ بسیار پایین، پسماند خشک را برای ما جمع‌آوری می‌کنند. آزاری برای مردم شهر ندارند و مشکلی درست نمی‌کنند. اما شهر مدرنی مانند تهران را به لحاظ سیمای شهر، آلوده و کثیف نشان می‌دهند. آنها با برنامه‌ریزی درست در سازمان پسماند، قابل مدیریتند. ولی سازمان پسماند، کاری در این زمینه نمی‌کند و تنها پیمانکاران را برای داشتن کتفی گه‌گذار جریمه می‌کند. جریمه‌های سازمان پسماند در مقابل فایده وجود آنها، عدد ناچیزی است.»

کتفی‌های زیادی وجود دارند که با داشتن شرایط خود (اعم از متاهل و مجرد؛ دارای مدارک هویتی و یا فاقد آن) برای پیمانکاران (و نه زباله‌دزدها و ضایعاتی‌های غیر رسمی) کار می‌کنند. این افراد از آنجا که از حیث اجتماعی، خارج از هرگونه چتر حمایتی هستند، با شیوه‌هایی که کارفرما تشخیص می‌دهد، با سرگروه‌های محلی خود همکاری می‌کنند. سرگروه‌ها اکثراً کتفی‌ها را جمع‌آوری کرده، در مناطق و محله‌های مختلف سامان می‌دهند، ساعات کار و تحویل ضایعات را تنظیم می‌کنند، توافق عددی برای خرید هر کیلو زباله می‌کنند. در نهایت زباله‌گردها به ندرت پیمانکار یا خریدار اصلی ضایعات را می‌بینند. واسطه‌ها در این میان به مثابه رابط و مدیر عمل می‌کنند تا زباله‌گرد، امکان مطالبه خاص از هیچ‌کس را نداشته باشد و تنها به فروش روزانه زباله بسنده کند.

موضوع دیگر در ارتباط با زباله‌گردها، چرخه ورود و خروج آنها به اشتغال غیر رسمی زباله‌گردی است. در حقیقت ورود به چرخه ضایعات و کتفی‌ها، انتخابی آگاهانه است؛ زیرا مشقات و سختی‌های زیادی برای کتفی‌ها در پی دارد. اما خروج از آن عمدتاً در کوتاه‌مدت، کمتر اتفاق می‌افتد و تغییر جهت و حالت می‌دهد.

۱. حذف/ جذب مجدد: در صورتی که یک کتفی بخواهد از چرخه کار در یک منطقه خارج شود، منطقه‌ای دیگر و یا پیمانکاران اصلی همان منطقه، او را جذب یا مجبور به فعالیت می‌کند.

۲. حذف از چرخه اصلی: در صورتی که کتفی نتواند با پیمانکار یک منطقه توافق کرده، مرتب برای وی بار (زباله تفکیک‌شده خشک) ببرد، به صورت مستقل و برای خریداران بازار آزاد، ضایعات زباله جمع‌آوری می‌کند. در این نوع

جمع آوری پسماند، خطراتی متوجه کتفی هاست. مهم‌ترین خطر، زباله‌دزدی و زد و خوردهای فیزیکی و جدال بر سر زباله است. یکی از پیمانکاران در این زمینه می‌گوید: «یکی دوبار کتفی‌های ایستگاه ما توسط پیمانکار منطقه همسایه مورد کتک‌کاری قرار گرفتند. ما هم عمل متقابل انجام دادیم. ولی در نهایت با تهدید و اجبار چند کتفی، خوب ما را مجبور به همکاری با خودشان کردند.»

۳. ارتقا: بسیاری از زباله‌گردها که این شغل را به صورت حرفه‌ای و برای کسب معاش خانواده انتخاب کرده‌اند، پس از چندی با انباشت ثروت کوچکی برای خود، تیم زباله‌گردی تشکیل داده، به عنوان سرگروه زباله‌گردها در مناطق با پیمانکاران وارد مذاکره و توافق می‌شوند. یکی از پیمانکاران در این باره می‌گوید: «پیش از اینکه پیمانکار منطقه باشم، سال‌ها به شیوه‌های مختلف کتفی بودم. ابتدا به تنهایی، سپس گروهی و بعد با تشکیل تیم. در نهایت دیدم به جای اینکه بخوام همش برای دیگران کار کنم، بهتره برای خودم کار کنم. شرکت زدم و رتبه گرفتم. یه مزایده شرکت کردم و چون کسی شرکت نکرده بود، من بردم. حالا خودم کتفی دارم و پیمانکار هستم.» این افراد در آینده نزدیک، خود را آماده تشکیل گروه سازمانی و افتتاح شرکت و ورود به چرخه پیمانکار شدن می‌کنند. برخی از این افراد در صورت عدم امکان ورود به چرخه پیمانکاری، در خارج از شهر، محلی اجاره می‌کنند و تبدیل به خریداران و فروشندگان آزاد ضایعات و پسماند شهری می‌گردند.

زباله‌گردی و مسائل شهری

الف) شهر، مصرف و تمایز اجتماعی

کلان‌شهر تهران، نماد تمایز اجتماعی در همه ساحت‌های زندگی اجتماعی است. مصرف هم می‌تواند یکی از نمودهای عینی این مسئله باشد. از طریق بازمانده‌های زباله و پسماندهای کالاهایی که شهروندان مصرف می‌کنند می‌توان به منزلت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی آنان پی برد. به هر میزان افراد ساکن مناطق، توسعه‌یافته‌تر و مرفه باشند، به همان میزان کمیت و کیفیت پسماندهای آنها حداقل از نظر بازار زباله‌گردها و پیمانکاران متفاوت خواهد بود. به همین دلیل است که رقابت آنان بر سر پسماندهای

شهری در مناطق مرفه‌تر، جدی‌تر و گاه پرتنش و مخاطره‌آمیز است. یکی از پدیده‌های مرتبط با این موضوع، زباله‌دزدی است.

زباله‌دزدی به شرایطی گفته می‌شود که زباله‌های جمع‌آوری شده زباله‌گردها را افراد دیگر به شیوه‌های مختلف از او سرقت کرده، یا زورگیری می‌کنند و زباله‌گرد که موجودی ضعیف بدون قدرت اعتراض است، ناچار باید سکوت کرده، چیزی نگوید تا آسیب جسمانی نبیند. در برخی مناطق در شهر، زباله‌دزدی پدیده‌ای درآمدزاست. در حدی که زباله‌گردهای آن مناطق، برای حفظ زباله‌های انباشته‌شده حاضرند وارد جدال فیزیکی شوند، اما اجازه بردن زباله‌های خود را به کسی ندهند. زباله‌دزدی، اشکال و انواع مختلفی دارد.

یکی از زباله‌گردها در این باره می‌گوید: «شب‌های زیادی هست که زباله‌ها را جمع کردیم و بسته‌بندی کردیم و منتظر فان هستیم تا بیایند و ببرند. ناگهان یکی از راه میرسه و سر ما را گرم می‌کنند و با ماشین‌های باری ناشناس، زباله‌های جمع‌شده را می‌دزدند. اگر دستمون بهشون برسه، با جنگ و دعوا زباله‌ها را پس می‌گیریم و زباله‌های آنها را هم می‌گیریم. اما بیشتر مواقع طوری دزدی می‌کنند که متوجه نمی‌شویم و دستمون به جایی بند نمی‌شود. فقط بین خودمون دعوا می‌کنیم که چرا حواسمون نبوده.»

ب) زباله‌گرد شبگرد

به جرأت می‌توان گفت که زباله‌گردی، یکی از پرمخاطره‌ترین مشاغل - حداقل از نظر جسمی - در ایران است. این شغل که در اقتصاد غیر رسمی تعریف می‌شود، انتخابی از نوع ناچاری و صرفاً برای بقا از سوی زباله‌گردهای مهاجر است. هرچند دنیای کلان‌شهری، دنیای جنب‌وجوش و حرکت است، انگار نبض شهر برای زباله‌گردها تندتر می‌تپد. آنها مدام تلاش دارند تا به سرعت در خیابان‌های تهران با گونی‌های سنگین پر از زباله گذر کنند تا به خیابان بعدی برسند تا مبادا دست او از زباله کوتاه شود و در نهایت درآمدش اندک.

ج) کار کودک و زباله‌گردی

یکی دیگر از مسائل اجتماعی در شهر تهران در ارتباط با زباله‌گردی، کار کودک است. زباله‌گردی، یکی از مصادیق بدترین اشکال کار کودکان در خیابان به شمار

می‌رود؛ زیرا نه تنها کودک را به دلیل فعالیت اقتصادی بهره‌کشانه از حق بازی، تحصیل و کودکی بازمی‌دارد، بلکه بهداشت، سلامت و ایمنی او را نیز به خطر می‌اندازد. کودکان در سنین مختلف و در ساعات طولانی در میان زباله‌ها و ضایعات به کار می‌پردازند. این کودکان در ایران اغلب به صورت گروهی در خیابان‌ها، در نزدیکی گودهای زباله و یا مراکز بازیافت در شرایط بهداشتی بسیار بدی با هدف کسب درآمد، روزگار سپری می‌کنند. کودکان زباله‌گرد به دلیل ساعات طولانی تماس با زباله و محیط غیر بهداشتی، استنشاق بوی متعفن زباله و حمل بارهای سنگین در طی ساعات کار دچار انواع آسیب‌های فیزیکی مانند مشکلات تنفسی، مشکلات ستون فقرات و سایر بیماری‌های جسمی می‌شوند؛ زیرا تنها محیط کار این کودکان فاقد ایمنی و بهداشت است، بلکه محل سکونت آنها نیز عمدتاً در سوله‌های گروهی و حاشیه‌های شهرها قرار دارد و فاقد هرگونه امکانات بهداشتی است. یکی از فعالان اجتماعی در حوزه کودکان کار و خیابان معتقد است که «حضور کودکان در مشاغل آسیب‌زا از قبیل جمع‌آوری زباله، تفکیک زباله، حضور در کارگاه‌های خارج از شمول قانون کار، محرومیت و آسیب کودکان را تشدید می‌کند».

عدم رعایت قوانین سن پرسنل: در تبصره ۳ ماده ۶-۲۲-۲ پیمان عملیات تفکیک، طبق قوانین تعریف شده، پیمانکار موظف به به‌کارگیری کارگران طبق قوانین صغر و کبر سنی است. در سالن‌های تفکیک، میان کارگران کتفی و کمک‌رانندگان ملودی و فان و... کارگران زیر سن قانونی بارها دیده شده است. بیشترین کودکان کارگر در این میان کتفی‌ها و کمک‌رانندگان فان هستند. البته گاه پیمانکاران از این افراد حمایت کرده، مورد شفقت نیز قرار می‌دهند، اما به لحاظ قانونی، به‌کارگیری کودکان کار در ایستگاه‌ها و برای جمع‌آوری پسماند، ممنوع است.

د) سیاه‌چاله‌های پسماند تهران: جمع‌آوری پسماند غیر رسمی / غیر مجاز
جمع‌آوری زباله به دست زباله‌گردها در نهایت به نقطه‌ای می‌رسد که تفکیک زباله در مبدأ و محتوای پسماند قابل بازیافت تبدیل به صنعت پرچالش و پرقابتی می‌گردد. سیاه‌چاله‌های پسماند، نقاطی در تهران هستند که مانند پیمانکاران رسمی شهرداری تهران، اشتغال به جمع‌آوری و تفکیک پسماند دارند. کارکرد این سیاه‌چاله‌ها، عملیات خرید و انباشت زباله تفکیک‌شده خشک است. آنها زباله‌های خشک را از نقاط مختلف

تهران جمع‌آوری کرده، یا از زباله‌گردها، دوره‌گردها، خودروهای باری، خودروهای سبک و سنگین خریداری می‌کنند. سپس در انبار مکان‌هایی مانند تقی‌آباد، گود محمودآباد، خلایزیر، احمدآباد مستوفی و... به فروش می‌رسانند. وانت‌ها و خودروهای باری که به صورت غیر مجاز پسماندهای تفکیک‌شده جمع‌آوری می‌کنند، برای فروش پسماندهای خود، دو راه دارند: نخست، مراجعه به ایستگاه‌های تفکیک و دوم، مراجعه به خریداران ضایعات حاشیه شهر.

یکی از راننده‌های وانت باری و زباله‌گرد می‌گوید: «وانت‌های ما اگر به دست مأموران شهرداری توقیف بشه، جریمه می‌شیم و بارمون گرفته میشه. این بار که جمع میشه، می‌بریم احمدآباد مستوفی و به ضایعاتی اونجا به قیمت بالا می‌فروشیم. ایستگاه‌های شهرداری، قیمت خیلی کمی برای ضایعات پرداخت می‌کنند. بنابراین مجبوریم برای کسب درآمد بیشتر از آنجا بریم خارج از شهر و بفروشیم.»

تهران همیشه شاهد حضور خریداران ضایعات و فروشندگان آن در محدوده‌های متفاوتی از شهر بوده است. رقابت کوچک و جزئی که بین زباله‌دزدها و زباله‌گردها وجود دارد، در میان صاحبان سیاه‌چاله‌ها، تبدیل به رقابت بزرگ و رسمی میان آنها با شهرداری و پیمانکاران می‌گردد.

جدول ۱- یافته‌های پژوهش

ردیف	یافته اصلی	زیرمقوله‌ها
۱	ویژگی‌های عمومی	پوشش و لباس، جنسیت، محدوده سنی، وضعیت اسکان درآمد، سطح تحصیلات، مهاجرت
۲	تیپولوژی زباله‌گردها	آسیب‌های اجتماعی، هویت، مهاجرت و اعتیاد
۳	پیمانکاری و تشدید وضعیت فرودستی	چرخه ورود و خروج زباله‌گردی چرخه معیوب، حذف، طرد و ارتقا
۴	مسائل اجتماعی شهر تهران	شهر، مصرف و تمایز اجتماعی، کار کودک، سیاه‌چاله‌های پسماند تهران: جمع‌آوری پسماند غیررسمی / غیر مجاز

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

زباله‌گردی از عیان‌ترین آسیب‌های اجتماعی در شهر تهران است. این پدیده اجتماعی دارای ابعاد آشکار و پنهانی است که با آسیب‌ها و مسائل اجتماعی دیگر در شهر تهران و سایر شهرهای ایران نظیر اعتیاد، مهاجرت غیر قانونی اتباع خارجی، کار کودک، نابرابری‌های اجتماعی، آلودگی‌های زیست‌محیطی و... پیوند دارد. پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که زباله‌گردی، خاص جامعه ایران نیست و در برخی از کشورهای دیگر نیز نمود دارد؛ با این حال در چند سال گذشته به یکی از مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی در کلان‌شهرهای ایران بدل شده است.

مهم‌ترین عنصر زباله‌گرد، زباله‌گردهای شهری است که وضعیت فرودستانه آنها سبب شده است تا در این شغل غیر رسمی پرمخاطره با انواع چالش‌های بهداشتی و اجتماعی مواجه شوند. شرایط حیات شهری در چند سال گذشته در تهران و جذابیت‌های آن بیانگر اشکالی از مهاجرت‌های داخلی و خارجی است که خود بر رشد انواع آسیب‌های اجتماعی اثرگذار بوده است.

در نگاه نخست بی‌توجهی به تفکیک پسماندهای شهری در مبدأ و از منازل، یکی از اصلی‌ترین عوامل در رشد زباله‌گردی است. شاید بتوان گفت اگر این تفکیک به‌درستی انجام شود، سامان‌دهی زباله‌گردها با شکل بهتری می‌تواند پیگیری شود. ولی بعد دیگر ماجرا، انگیزه‌های زباله‌گردها برای حضور در این شغل است که بخش عمده‌ای از این انگیزه مربوط به بقا و کسب حداقل‌های معیشتی است. شیوه مدیریت پسماندهای شهری و مشارکت شهروندان از جمله مسائل جدی در بروز و نمود زباله‌گردی است. به این موضوع در برخی پژوهش‌های داخلی مانند مقاله ایشاری و شجاعی زند (۱۳۹۸) و نادری و همکاران (۱۴۰۱) اشاره شده است. نتایج یافته‌های خارجی نیز نشان می‌دهد که چرخه معیوب زباله‌گردی در کشورهای در حال توسعه بیشتر به چشم می‌خورد.

زباله‌گردهای شهری به‌مانند سایر گروه‌های آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر شهر تهران مانند افراد دارای اعتیاد، بی‌خانمان‌ها، کودکان کار، دست‌فروشان، کارگران تره‌بار و... تجسم مفهوم هوموساگر هستند. در واقع امر، افرادی با این ویژگی‌ها، در عین اشتراکات بسیار، با کمترین حمایت رسمی و قانونی جامعه مواجه‌اند، از شمول تأمین اجتماعی خارج‌اند و در برنامه‌های رفاهی و سیاست‌گذاری‌های رسمی جامعه نادیده گرفته می‌شوند. این افراد کمترین تعلق را به شهر تهران دارند؛ هرچند در آن حضور دارند، در

حاشیه آن قرار دارند. زباله‌گردها با مخاطرات مرتبط با سلامتی و با اشکال مختلف استثمار از سوی کارفرمایان مواجه‌اند و بعد از مدتی از چرخه معیوب جمع‌آوری پسماندهای شهری بدون اینکه در وضعیت معیشتی آنها تغییر محسوسی ایجاد شود، خارج می‌شوند؛ زیرا این شغل، مخاطرات جسمانی، روانی و اجتماعی زیادی به دنبال دارد و حمایت‌های اجتماعی و قانونی هم معمولاً مشمول حال این افراد نمی‌شود. در این چرخه حیات شهری، زباله‌گرد در وضعیت متناقض‌گونه قرار دارد، به گونه‌ای که هم در جامعه شهری هست و هم نیست؛ هم درون نظم اجتماعی و حقوقی قرار دارد و هم خارج از آن است. در واقع دنیای رسمی حیات اجتماعی شهری، آنها را پس زده و به حاشیه رانده است. توسل به شیوه‌های غیر رسمی، فراقانونی و گاه غیر قانونی از جمله تلاش‌های این افراد برای بقا و ادامه حیات است.

برای حل مسئله پسماندهای شهری که با آسیب‌های اجتماعی نیز پیوند نامیمونی در چند سال گذشته یافته است، ضرورت دارد تا به تمام ابعاد ناپیدای و ذی‌نفعان آن توجه نشان داده شود. در این راستا گام نخست، تفکیک اصولی پسماندهای تر و خشک از منازل با ارائه مشوق‌های لازم برای شهروندان است. مسلماً بهره‌گیری از تجارب سایر کشورها حایز اهمیت است. موضوع دیگر، ذی‌نفعان و عناصر جمع‌آوری پسماندهای شهری است. زباله‌گردها سخت‌ترین کار و کمترین درآمد را در این چرخه دارند. مسلماً این ذی‌نفعان، یکی از عوامل اصلی تأثیرگذار در مسئله‌بودگی پسماندهای شهری است. بر این اساس با توجه به یافته‌های پژوهش جهت مدیریت و سامان‌دهی بهتر مسئله چندبعدی زباله و پسماند در تهران؛ پیشنهادهای زیر مطرح می‌گردد:

- توجه به بعد فرهنگی - اجتماعی پسماند و در کنار نگاه صرف فنی
- اجرای قانون محیط‌زیست و تدوین قوانین جدید متناسب با نیازهای روز
- مشارکت شهروندان در چرخه پسماند و تفکیک از مبدأ
- شفافیت در قراردادهای و تهیه گروه ناظر بر فعالیت پیمانکاران و رصد مداوم آنها جهت اجرای درست قوانین و آیین‌نامه‌های تنظیم‌شده
- توجه و تمرکز بر چرخه غیر رسمی پسماند

پی‌نوشت

۱. زباله انواع مختلفی دارد که فلز از گرانبهاترین و سبک‌ترین آنها محسوب می‌شود.
۲. وانتهایی که در طول روز با نواختن ملودی در محله‌ها عبور کرده، از مردم، پسماندهای خشک را جمع‌آوری می‌کنند.
۳. اصطلاح عام پیمانکاران در نام‌گذاری زباله‌گردهای پیاده‌رو و گونی به دوش
۴. خودروهایی سنگین بالای شش تن برای جمع‌آوری زباله‌ها از سطح شهر



منابع

ایثاری، مریم و علیرضا شجاعی زند (۱۳۹۸) «زمینه‌ها و فرایندهای شکل‌گیری زیست غیر رسمی زباله‌گردی (مطالعه موردی: کارگران افغانستانی در تهران)»، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره دهم، شماره ۱، صص ۶۳-۹۵.

----- (۱۳۹۹) «سیاست‌های شهری و زیست غیر رسمی زباله‌گردی در تهران»، مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال دهم، شماره ۳۴، صص ۱-۳۲.

بیات، آصف (۱۳۹۶) خیزش فرودستان، ترجمه مرداد امامی، قابل دسترسی در: <https://pecritique.com/2018/01/11>

پروین، ستار و دیگران (۱۳۹۷) «مهاجرت و زباله‌گردی، به مثابه شیوه نوظهور زیست شهری»، فصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره چهارم، شماره ۱، صص ۱۹۹-۲۲۸.

نادری، احمد و دیگران (۱۴۰۱) «مطالعه کیفی درباره زباله‌گردی در شهر تهران»، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره سیزدهم، شماره ۱، صص ۱۶۷-۱۹۷.

نیومن، ولیام لاورنس (۱۳۸۹) شیوه‌های پژوهش اجتماعی: رویکردهای کیفی و کمی، ج ۲، ترجمه حسن دانایی فرد و سید حسین کاظمی، تهران، کتاب مهربان.

Agamben, Giorgio (1998) *Homosacer*: Stanford University press.

Barford A. And Ahmad . S (2021) A Call for a Socially Restorative Circular Economy: Waste Pickers in the Recycled Plastics Supply Chain. *Circular Economy and Sustainability* (1) PP 761-782.

Ellermann, Antje (2009) *Undocumented Migrant and Resistance in the State of Exception*, university of British Colombia, prepared for Union studies association meeting.

Fergutz, O. (2011) Developing urban waste management in brazil with waste picker organizations. *Environment and Urbanization*, 597-608.

Hayami, Y. (2006) Waste pickers and collectors in Delhi: Poverty and environment in an urban informal sector. *Journal of Development Studies*, Volume 42, Issue 1.

Hunt, C. (1996) Child waste pickers in India: The occupation and its health risks., *Environment and Urbanization*, Vol. 8, No. 2.

----- (2001) A review of the health hazards associated with the occupation of waste picking for children. *International Journal of Adolescent Medicine and Health*.

Huysman, M. (1994) Waste picking as a survival strategy for women in Indian cities. *Environment & Urbanization*, 155-174.

Joshi, N. (2018) Low-income women's right to sanitation services in city public spaces: a study of waste picker women in Pune. *Environment and Urbanization*, 249-264.

- Kemper, H. (1990) The physical and physiological workload of refuse collectors. Ergonomics, Vol. 33, No. 12.
- Medina, J. P. (2005) "Model for Analysis and Simulations (MAS): A New DSGE for the Chilean Economy," Mimeo, Central Bank of Chile.
- Schenck R, Blaauw D, Viljoen K. (2016) Enabling factors for the existence of waste pickers: A Systematic Review Social Work. /Maatskaplike Werk Vol 52 No 1; Issue 3.
- Steiner. D. and Bernard .H (2003) Lung disease in waste collectors. Praxis, vol 92.issue 10.
- Viljoen, K., Blaauw, P. & Schenck, R. (2015) "I would rather have a decent job": Barriers preventing street waste pickers from improving their socioeconomic conditions. ERSA Working paper World.

